



انتخاب شماره‌های اخیر --

آخرین شماره آرشیو

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: مهدی شفیعی
تلفن روزنامه: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۰۷۵

🔍 ✉️ 🌐 ⓘ 🔄

سایر عناوین این صفحه پربازدیدهای این شماره

• جابه‌جایی مرزهای آزادی و لنزهای انسان

روزنامه‌های عضو

کیهان | ایران | شرق
اصول | رسالت | پیام
زنگ

ایران

دوشنبه ۲ تیر ۱۳۹۹، شماره ۷۳۷۴ آرشیو

اندیشه

گفت و گو با حسین مصباحیان، استاد فلسفه دانشگاه تهران / چگونه از رهگذر دوستی، سیاست را انسانی کنیم؟

سیاست دوستی

گفتگو: مهسا رضانی



بحرانی که در پس شیوع کرونا ایجاد شد، بیش از پیش ضرورت همدلی و همبستگی را در جوامع برجسته کرد. اما چگونه از رهگذر دوستی می‌توان مسائل کلان سیاسی و اجتماعی را مرتفع کرد؟ واقعیت این است که «نمی‌توان یک شبه دشمنی‌ها را به دوستی بدل کرد، اما نقطه آغاز خوبی برای اندیشیدن و عمل ورزیدن است.» «دوستی» دغدغه این روزهای حسین مصباحیان، استاد فلسفه دانشگاه تهران است. مصباحیان معتقد است تلقی دریدا از دوستی بسیار می‌تواند برای این روزهای جامعه ما راهگشا باشد؛ دریدا می‌کوشد از رهگذر «دوستی» سیاست را انسانی کند. سیاستی که تا پیش از این مبتنی بر دشمنی و مبارزه برای بقا بوده است. به تعبیری دیگر، دریدا می‌کوشد تا مفهوم دوستی را به سیاست برگرداند.

● جناب مصباحیان، با خبر شدیم، تاملاتی در باب «دوستی» را در دستور کار خود دارید، چه شد که «دوستی» برای شما مساله شد؟

ما در فلسفه سنن مختلفی در مواجهه با مسائل داریم؛ گاه به قول شما مساله‌ای پیدا می‌شود و می‌خواهیم به مساله بپردازیم، گاه حادثه‌ای در زندگی شخصی یا حرفه‌ای رخ می‌دهد، که یک موضوع پدیدار می‌شود. ما در «سنت اگزیستانسیالیستی» فلسفه که من خود را به این رویکرد نزدیک می‌دانم، نقطه عزیمت مان، همین تجربه‌های وجودی است؛ یعنی «آگاه شدن از شکنندگی هستی» که یاسپرس به آن اشاره می‌کند یا مثلاً «پیش روی به سوی مرگ» که هایدگر مطرح می‌کند یا «دل به هم خوردگی» که سارتر از آن صحبت می‌کند.

اکتبر ۲۰۰۴ که دریدا درگذشت، می‌خواستم یادداشتی را به مناسبت درگذشتش بنویسم، از آنجا که در آن زمان «دوستی» برای من به یکی از دغدغه‌های اصلی بدل شده بود، کتاب «سیاست‌های دوستی» دریدا را بهانه‌ای قرار دادم تا هم در مورد دوستی بنویسم و هم در مورد دریدا. همزمان که در حال نوشتن آن یادداشت بودم، متوجه شدم که ریچارد رورتی هم متنی برای دریدا نوشته و او را از زمره فیلسوفانی دانسته که سقراط آرزو داشت فیلسوف چنان باشد. آرزوی سقراط این بود که فیلسوف پیش فرض‌هایی را که هرگز مورد تردید واقع نشده‌اند به پرسش بکشد، آنچه همگان در مورد امری اتفاق نظر دارند درهم شکنند و موضوعاتی را که قبلاً هرگز مورد بحث قرار نگرفته‌اند به میدان آورد. از نظر رورتی این سه ویژگی در دریدا جمع بود.

● آیا «دوستی» هم از آن دست موضوعاتی است که فلسفه کمتر پیرامون آن تامل کرده است؟

تا حدودی بله، «دوستی» یک مفهوم حاشیه ای در فلسفه است هر چند که ارسطو در نیکوماخوس و نیچه در حکمت شاد، آگوستینوس و منتنی در مورد دوستی بحث کرده اند. اما بحث دوستی آنگونه که سایر مباحث فلسفی به صورت برجسته مطرح می شود، در فلسفه مطرح نبوده است. بنابراین، آن گزاره ریچارد رورتی (طرح مسائلی که قبلا به صورت برجسته مورد بحث قرار نگرفته است) توسط دریدا در خصوص موضوع دوستی صورت می گیرد، از طرفی وقتی وارد کتاب دوستی دریدا می شویم، می بینیم به جای اینکه از تعاریف مختلف دوستی نزد ارسطو آغاز کند، از جمله ای که به ترتیب معکوس از منتنی، سیسرو و دیوگنس لائرتیوس به ارسطو وصل می شود، شروع می کند: «آی دوستان من، دوستی وجود ندارد.» با این عبارت، پی بردم که درهم شکستن آنچه همگان در خصوص آن اتفاق نظر دارند، یا پیش فرض هایی که هرگز مورد تردید واقع نشده اند، توسط دریدا با همین عبارت ساده (آی دوستان من، دوستی وجود ندارد) صورت می گیرد. دریدا، در واقع با ورود به مقوله دوستی، می خواهد به نوعی از دوستی، آشنایی زدایی کند و تلقی های جدیدی از آن صورت بندی کند و به همین دلیل، تعاریفی که در مورد دوستی در تاریخ فلسفه نقش حاشیه ای داشته است، توسط دریدا به متن مباحث فلسفی آورده می شود.

● وجه تمایز تلقی دریدا از تعاریفی که پیشتر در خصوص «دوستی» وجود داشته، چیست؟

وقتی دریدا از دوستی «آشنایی زدایی» می کند، یک مفهوم to come یا «در راه» را از آن بیرون می کشد. این در راه بودن به این معنا نیست که ما منتظر باشیم که یک چیزی ظهور پیدا کند، از نظر دریدا این to come وعده ای است که می دهیم و در وعده، تعهد هم هست؛ تعهد به ایجاد دوستی فردی، دوستی ملی و دوستی انسانی. از اینجا می توان دریافت که دریدا می کوشد از رهگذر «دوستی» سیاست را انسانی کند. سیاستی که تا پیش از این مبتنی بر دشمنی و مبارزه برای بقا بوده است. به تعبیری، دریدا می کوشد تا مفهوم دوستی را به سیاست برگرداند.

● دوستی چگونه می تواند مبنایی برای سیاست انسانی باشد؟

کارل اشمیت معتقد است که سیاست لحظه تشخیص دشمن است؛ یعنی افراد مادامی «سیاست» می ورزند که دیگری به عنوان دشمن در برابر آنان قرار گیرد. از این رو، افراد با دیگری یا باید وارد جنگ شوند یا تدبیری بورزند که طی آن رابطه خصمانه خود را با دیگری مدیریت کنند. دریدا ولی می گوید سیاست لحظه تشخیص دوست است. روابط بین الملل که امروزه بر اساس پیگیری منافع ملی کشورها است، باید جای خود را به پیگیری منافع انسان ها بدهد. گویی جهانی هست پر از انسان و این انسان ها قرار است که انسانی زندگی کنند. این رویکرد عظیمی است که دریدا در مقابل سنت هابز، ماکیاوولی و کارل اشمیت طرح می کند.

وقتی کسی ادعا دارد که می خواهد دوستی را که در حاشیه بوده به فلسفه برگرداند و سیاست را انسانی کند، باید از تعاریفی که در طول تاریخ فلسفه از دوستی وجود داشته، فاصله بگیرد. یک مسیر آن، مسیر کلاسیک و مذهبی است، در آنجا دوستی مبتنی بر «دوستی نزدیک» است؛ به تعبیری، کسانی را می توان دوست داشت که می شناسیم. در حالی که دریدا می کوشد تا تأکید را بر «دوستی دور» بگذارد؛ یعنی شما یک غریبه را بی آنکه بشناسید، دوست بدارید و معتقد است که جامعه جهانی از این طریق می تواند انسانی شود.

دوم، ضرورت برجسته کردن تفاوت ها است. در دوستی ارسطویی نیکان با نیکان دوستی می کنند؛ یعنی رابطه بر پایه شباهت ها و همانندی ها است. در نگاه دریدا، اگر ما بتوانیم کسی را که با ما متفاوت است ستایش کنیم و دوست بداریم، آن زمان دوستی واقعی صورت می گیرد.

سوم، بخشش نامشروط است. به عبارتی بخشیدن بدون انتظار دریافت چیزی از کسی است. به روشی مشابه لوبناس، که مادری را یک عشق نامشروط می داند؛ به این معنا که مادر، یک «دیگری» را در خود حمل می کند بدون آنکه آن را «دیگری» بیندازد، دریدا نیز دوستی را با تفاوت هایی واجد این ویژگی می داند.

● آیا تعریفی که دریدا از دوستی ارائه می کند، یوتوپایی نیست؟ چنین تلقی از دوستی آیا عملا قابل تحقق هست؟

پرسشی را که شما مطرح کردید جفری بنینگتون، استاد ادبیات تطبیقی در دانشگاه اموری جورجیا و استاد کلژ انترناسیونال فلسفه پاریس، در اول دسامبر سال ۱۹۹۷ در دانشگاه ساسکس انگلستان در گفت و گویی که در حضور دانشجویان با دریدا ترتیب داد، تقریباً به قصد راه یافتن به مضمون پرسش شما، از او می پرسد. دریدا در پاسخ می گوید پروبلماتیک دوستی، می تواند برای ساخت گشایی از عناصر اصلی نظریه سیاسی سنتی اهرمی استراتژیک در اختیارم بگذارد که به نحوی موثر وارد میدان سیاست شوم.

ولی در گفت و گویی دیگر وقتی با این پرسش ها مواجه می شود که آیا دوستی می آید؟ «دوستی» آیا هنوز ممکن است؟ و اگر بله؛ چگونه؟ دریدا پاسخ می دهد: «دوستی که منظور من است به همان اندازه غیرممکن است که رویایی را که در سخنرانی پذیرش جایزه آدورنو ذکر کردم. یک غیرممکنی که متضاد یا منافی ممکن نیست. کسی باید این غیرممکن را انجام دهد، کسی باید بدان بیندیشد و به آن عمل کند. اگر فقط قرار بود چیزی که ممکن است، اتفاق بیفتد، هیچ چیز ابدا اتفاق نمی افتاد. اگر من فقط آنچه را که می توانستم انجام دهم، انجام می دادم، من عملاً هیچ کاری نکرده بودم.»

● تعریف دریدا از دوستی چقدر می تواند برای وضعیت امروز جامعه مان رهایی بخش باشد؟

خیلی زیاد؛ البته طبیعتاً نمی توان یک شبه دشمنی ها را به دوستی بدل کرد، اما نقطه آغاز خوبی برای اندیشیدن و عمل ورزیدن است. همچنان که استادم دیتر میسگلد در جایی در نقد استاد خود گادامر می گوید، اصولاً ظهور روابط دوستانه و همسایه وار بین دولت - ملت های ستیزه جوی

پیشین، خود به خود آنها را از میراث خشونتی که بر دیگران، یعنی ملت های غیراروپایی، یهودیان، زنان، کولیان و دیگر گروه های ستمدیده و سرکوب شده اعمال کردند، رها نمی سازد.

فیلسوف تنها در صورتی نجات دهنده فرهنگ خواهد بود که بتواند طی سنتی سخت گیر با خودفرهنگی خویش رویارو شود؛ او مجبور است پافشاری کند که خیرخواهی صادقانه نسبت به دیگری (یعنی غیر اروپاییان و غیر امریکای شمالی ها) نمی تواند پیش از این مواجهه به دست آید. اروپا نمی تواند بدون پذیرش تجربه فروتنی و اجبار به فکر کردن در مورد تاریخ خود، گذشته امپریالیستی خود را بازسازی کند، زخم هایش را درمان کند و در نهایت، با خود به وحدت برسد. تنها در صورت اظهار یک عذرخواهی فروتنانه بزرگ است که اروپا می تواند اولین گام را در جهت دوستی با ملل دیگر بردارد. در متن ملی و در ربط با پرسش شما نیز همین مواجهه ضرورت دارد. دریدا دوستی را هدیه ای می داند که هدیه نیست و چون چنین است، امری ناممکن است. جمله ای در کتاب انسان شوریده آبر کامو وجود دارد با این کلمات که «انقلاب عبارت است از دوست داشتن انسانی که هنوز وجود ندارد.» ممکن گردانیدن آن هدیه و دوست داشتن این انسان، شرایط امکانی لازم دارد و به نظر من نخستین آن عذرخواهی از کارنامه ای است که رابطه و نسبتی دوستانه با انسان نداشته است.

● دوستی، چقدر به بحث مدارا و رواداری در ادبیات سیاسی ما نزدیک می شود؟

طبیعتا در دوستی سطحی از مدارا وجود دارد اما دوستی مفهوم گسترده تری از رواداری دارد...

● پیشتر مدارا و رواداری صرفا «تحمل دیگری» تلقی می شد اما در نظریات جدید، این بحث از تحمل دیگری فراتر رفته و به «رسمیت شناختن دیگری» هم مدنظر قرار می گیرد. نظر شما چیست؟

به نکته بسیار خوبی اشاره کردید. اکسل هونت در بخش پایانی کتاب «نزاع برای ارج شناسی» یا «جدال برای به رسمیت شناخته شدن» بحث بسیار خوبی در پیوند بین دوستی و به رسمیت شناخته شدن دارد. او از طریق ترکیب فلسفه هگل با روانشناسی اجتماعی هربرت مید بحث می کند که سوژه ها در یک کنش متقابل یاد می گیرند که فقط در صورتی از تنها بودن نخواهند ترسید که در فردیت خود دوست داشته شوند. این دوست داشتن یا عشق، اعتماد به نفس می آورد و اعتماد به نفس پیش شرط اساسی هر سخنی از «خود-تحقق بخشی» است. به این معنا که افراد را قادر می سازد که خود و نیازهای خود را بی هیچ لگنتی بیان کنند.

بنابراین، تجربه عشق، درونی ترین هسته همه اشکال زندگی اخلاقی است. الگوی به رسمیت شناخته شدن که درگیر عشق است در مرحله بعد به روابط قانونی که باید شرط ثانوی برای کرامت فردی به حساب آید، تغییر مکان می دهد. از اینجا روشن می شود که به رسمیت شناخته شدن دارای یک استعداد اخلاقی است؛ استعدادی که می تواند از سطح فردی به سطح اجتماعی بسط پیدا کند. این از نظر هونت همان چیزی است که هم هگل و هم مید از پرداختن بسنده به آن ناکام ماندند. هونت تلاش می کند این حفره را پر کند و نشان دهد که هرگونه تلاشی ایجاد یک حس همبستگی اجتماعی باید خارج از تحمیل اهداف مشترک اجتماعی و منحصرا با تاکید بر الگوی به رسمیت شناخته شدن پیگیری شود.

● مردم چگونه احساس می کنند که به رسمیت شناخته می شوند؟

اجازه دهید که از طریق نقل یک روایت پاسخ تان را بدهم. نقل است که در آستانه پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، خبرنگاری از یک خبرنگاری خارجی از مهندس بازرگان می پرسد: رهبر انقلاب ایران کیست؟ مهندس ضمن تفکیک رهبری به دو وجه مثبت و منفی، شاه را رهبر منفی انقلاب می خواند. این پاسخ حکیمانه- که مستعد فراهم آوردن نظریه ای درباره یگانگی مضمونی دو مفهوم انقلاب و اصلاح است، تا به حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است. غالبا چنین تصور شده است که انقلاب، محصول عمل عاملان و کارگزارانی است که جز به فروپاشی سیستم ها و براندازی نظام ها و به تبع آن، پی ریزی بنایی یکسر تازه تاسیس و ساماندهی سامانی سراسر نو، رضایت نمی دهند. پیامدهای انقلاب از این رو، باید به حساب این انقلابیون ماجراجو گذاشته شود.

پاسخ مهندس اصلاح طلب اما افقی متفاوت از افق های آشکار پیرامون انقلاب و اصلاح را پیش رو قرار می دهد. او با پاسخ خود نه اپوزیسیون که پوزیسیون را سبب ساز انقلاب می داند، با این تفسیر به رای از پاسخ او که اگر شاه به تمنای مردمی که به هزاران زبان به زبان آورده شده بود، حرمت می نهاد و کرامت آنان را تکریم می کرد، وضع انقلابی اصولا پدید نمی آمد و شاه را مجبور نمی ساخت که عاجز و ناتوان، کرامت از دست رفته خود را از ملتی که روزی کرامت آنان را نادیده گرفته بود، طلب کند و ملتسمانه از مردم بخواند که صدای او را بشنوند، چرا که او صدای انقلاب مردم ایران را شنیده است.

وقتی از دریچه پاسخ مهندس به سوال خبرنگار به تجربه انقلاب ۵۷ نگاه می کنی، درمی یابی که مفاهیم انقلاب و اصلاح نه فقط به سیاست که به همه اموری که من را به «دیگری» پیوند می دهد نیز قابل تعمیم هستند. کافی است فقط، به طور مثال، بر فرزندت تنگ بگیری تا خلق و خوی اش تنگ شود و بر تو بشورد. انقلاب را در آن صورت به چشم خود می بینی و با جان خود حس می کنی، حتی اگر فرزندت نتواند یا نخواهد تو را براندازد! کافی است فقط حقوق انسانی فرزندت را به رسمیت بشناسی و نسبت به اصلاح خود گشوده باشی، خواهی دید که خانه هرگز بی خانمان نمی شود و فرزندت اگر هزاران فرسنگ از تو دور باشد، از هر زمانی به تو نزدیک تر است! واقعیت این است که حاکمان در هر جامعه ای با یک عذرخواهی فروتنانه از مردم می توانند وارد فرآیند «سیاست دوستی» شوند.

[ظهور شهروندی بی‌قرار و مطالبات شتاب‌زده / تحلیل پیامدهای موج](#)

دوم کرونا در گفت و گو با دکتر هادی خانیکی

روزنامه ایران، دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۹

[وقتی فساد، دموکراسی را نشانه می‌رود / گفت و گو با سید](#)

سلمان صفوی، رئیس آکادمی مطالعات ایرانی لندن

روزنامه ایران، دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۹

[بهشتی متفکر؛ بهشتی سیاستمدار / گفت و گو با دکتر علیرضا](#)

بهشتی، استاد علوم سیاسی

روزنامه ایران، شنبه ۷ تیر ۱۳۹۹

[باید در شریعتی ناقدانه و سنجش‌گرانه اندیشید / گفت و گو با](#)

دکتر مقصود فراستخواه، جامعه شناس

روزنامه ایران، دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹

[کمرنگ شدن اتحادیه‌های بین‌المللی؛ برجسته شدن دیدگاه](#)

[های ملی‌گرایانه / «ابعاد سیاسی بحران کرونا» در گفت و گو با داوود](#)

فیرچی / در جهان پساکرونا با مسائل هویتی جدیدی مواجه خواهیم شد

روزنامه ایران، پنج‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

[عناوین بیشتر...](#)